چشم‌انداز

قمار خطرناک تل‌آویو در احیای انگاره شکست‌ناپذیری

دالیا داساکای

جنگ ۱۰ماهه میان اسرائیل و حماس در نوار غزه، مدت‌هاست از جغرافیای محلی خود فراتر رفته و موجب تشدید شرایط نظامی خطرناکی در سراسر خاورمیانه شده است. اسرائیل مسئولیت ترور فؤاد شکر، فرمانده ارشد حزب‌الله در بیروت را به تلافی حمله راکتی حزب‌الله به ارتفاعات جولان برعهده گرفت و نیز گمان می‌رود در پس قتل اسماعیل هنیه در تهران باشد.

چرا اسرائیل اکنون با چنین شیوه خطرناکی دست به تشدید می‌زند؟ بی‌گمان، حملات اخیر به خودی خود بی‌سابقه نیستند. گرایش روایت‌هایی که از ترورهای هفته گذشته در رسانه‌های غربی بازتاب می‌یابد، این است که توانمندی‌های اسرائیل در انجام حملات نظامی و فناورانه پیچیده در عمق قلمرو دشمن را برجسته کند. پس از تحقیر هفتم اکتبر، این روایت‌ها ممکن است این تصور را ایجاد کند که ارتش اسرائیل بار دیگر شکست‌ناپذیر است، اما این تصویر، واقعیت‌های دشواری را که اسرائیل با آنها روبه‌روست، نادیده می‌گیرد. اسرائیل ممکن است در اقدامات منطقه‌ای خود تا مرزهای بالاتری پیش رود نه به این دلیل که احساس قدرت می‌کند، بلکه به دلیل اینکه احساس ضعف می‌کند. اساساً این کشور سنجش‌های راهبردی بلندمدت را در تصمیمات خود نمی‌گنجاند. حمله هفتم اکتبر حماس، ضربه‌ای ویرانگر به موضع بازدارندگی اسرائیل وارد کرد. اکنون، اسرائیل در حالی که آماده پذیرش ریسک‌های بیشتر و تحمل هزینه‌های بالاتری است، تلاش می‌کند در تقلای بی‌امانش برای اعاده بازدارندگی، به امتیازاتی تاکتیکی برسد.

فروپاشی یک شبه اعتماد

برای درک محاسبات فعلی اسرائیل، مهم است دگرش روانی آن از هفتم اکتبر به این سو را درک کنیم. پیش از حمله حماس، اعتماد اسرائیل در اوج خود قرار داشت. اسرائیل به این باور رسیده بود که کشورهای عربی آن را خواهند پذیرفت حتی اگر مناقشه خود با فلسطینی‌ها را حل نکرده باشد و اینکه می‌تواند بدون پیامدها یا به خطر انداختن حمایتی که از ایالات‌متحده برخوردار است، به ایران و متحدانش حمله کند، سپس تقریباً یک شبه، آن اعتماد به یک احساس عمیق آسیب‌پذیری تبدیل شد. حمله حماس، پایه‌ای‌ترین فرضیات اسرائیلی‌ها را در هم شکست؛ اینکه برتری نظامی و فناوری آنها می‌تواند دشمنان‌شان را بازدارد، اینکه می‌توانند پشت دیوارها و مرزهای مستحکم با آرامش زندگی کنند و اینکه می‌توانند بدون پیشرفت‌های عمده به سمت صلح با فلسطینی‌ها به اقتصادی شکوفا دست یابند. اکنون همانگونه که یکی از مقامات سابق امنیت ملی اسرائیل در سفرم به اسرائیل، به صراحت به من گفت، بسیاری در دستگاه امنیتی دریافته‌اند که «اسرائیل آنقدرها هم نیرومند نیست.»

بسیاری از اسرائیلی‌ها به دلیل شکست‌های عظیم امنیتی در روز هفتم اکتبر و پس از آن، از دولت خود خشمگین هستند. بی‌اعتمادی به دولت فراگیر است. بنیامین نتانیاهو ممکن است در ماه ژوئیه هنگامی که در کنگره ایالات‌متحده سخنرانی کرد، تشویق‌های ایستاده دریافت کرده باشد اما مشاور امنیت ملی او، تساچی هانگبی چند هفته قبل در یک کنفرانس امنیتی در هرتزلیا به سختی توانست حرفی بزند. حضار او را هو کردند.

این نگرانی و خشم، بازتابی از چالش‌های ملموس داخلی برای امنیت ملی اسرائیل است. نیروهای دفاعی اسرائیل در چندین جبهه، از غزه تا کرانه باختری و از شمال اسرائیل تا فراتر از آن، به شدت درگیر هستند. تلاش نتانیاهو برای اصلاح سامانه قضایی کشور در نیمه اول سال ۲۰۲۳، شکاف‌های جدی‌ای میان رهبران غیرنظامی با فرماندهان عالی نظامی ایجاد کرده بود؛ ارتش با تهدیدات بی‌سابقه‌ای از سوی افراط‌گرایان داخلی از جمله از درون صفوف خود و صفوف دولت روبه‌رو است. اسرائیل به دلیل تلفات جانی و ویرانی‌های عظیم در غزه، در حال از دست دادن حمایت بین‌المللی است.

تصویر مخدوش خودکفایی استراتژیک

اثری که حمله آوریل ایران بر اسرائیل گذاشت، در بیرون آن به درستی درک نشده است. اسرائیل، زمانی که پرسنل سپاه را در یک ساختمان در دمشق هدف قرار داد، به روشنی دچار بدسنجی شد و انتظار نداشت با یک پاسخ بی‌سابقه، عظیم و مستقیم روبه‌رو شود.

اگرچه اسرائیلی‌ها دفاع هماهنگ و پیچیده‌ای را ستایش کردند که به رهبری ایالات‌متحده، انجام شد اما این به تصویر خودکفایی آنها آسیب زد. هرگونه احساس پیروزی، در وهله نخست با این نگرانی تحت‌الشعاع قرار گرفت که ایران، عملاً چنین حمله جدی‌ای را انجام داد و نیز با این نگرانی که حمله بعدی ممکن است به این راحتی دفع نشود. تحلیلگران اسرائیلی خشنود بودند که پاسخ اسرائیل، یعنی یک حمله هوایی محدود به یک پایگاه نظامی ایران در اصفهان نشان داد اسرائیل توانایی هدف‌گیری دقیق در داخل ایران را دارد، اما مقامات دفاعی اسرائیل از تکیه بر بازدارندگی- یعنی قانع کردن دشمنان که حملات‌شان موفق نخواهد بود، یعنی چیزی که ترجیح ایالات‌متحده است- لزوماً احساس خوبی ندارند. از نظر این مقام‌ها، دفاع آوریل از اسرائیل یک موفقیت کامل نبود، زیرا در نهایت ائتلاف دفاعی نتوانست از حمله جلوگیری کند بلکه فقط آسیب را محدود کرد. برنامه‌ریزان دفاعی اسرائیل نگران هستند که ایران و متحدانش در حال تقویت خود هستند و ایران ممکن است انگیزه بیشتری برای نظامی کردن قابلیت‌های هسته‌ای خود داشته باشد، اگر به این باور برسد که نمی‌تواند به اندازه کافی از طریق روش‌های معمول، اسرائیل را باز بدارد. آنها معتقدند که اسرائیل در حال تنزل به لیگ دسته دو است در حالی که ایران سعی دارد به «لیگ قهرمانان» برسد. همانطور که یک مقام سابق دفاعی دیگر اسرائیل به من گفت، این کشور بازدارندگی خود را «به میزانی که هرگز سابقه نداشته» از دست داده است، با این حال، رهبری سیاسی اسرائیل همچنان به مردم خود می‌گوید که کشورشان در حال پیروزشدن است.

> اسرائیل ممکن است در اقدامات منطقه‌ای خود تا مرزهای بالاتری پیش رود ولی نه به این دلیل که احساس قدرت می‌کند، بلکه به دلیل اینکه احساس ضعف می‌کند و اساساً سنجش‌های راهبردی بلندمدت را در تصمیمات خود نمی‌گنجاند

حمله ایران در آوریل، درک اسرائیلی‌ها را از دگرش بنیادین در «روح» خاورمیانه عمیق‌تر کرد. آنها باور دارند که دشمنان اسرائیل اکنون ممکن است فکر کنند نابودی این کشور هدفی واقعی و دست‌یافتنی است. این نگرانی ممکن است اغراق‌آمیز به نظر برسد، اما تحلیلگران جدی اسرائیلی اکنون شکلی از احساس «تهدید وجودی» را بیان می‌کنند که متفاوت از هر چیزی است که از زمان استقلال این کشور در سال ۱۹۴۸ تجربه کرده‌اند. یکی از مقامات ارشد پیشین اسرائیل گفته برخلاف سال ۱۹۴۸، اسرائیل به درس‌های نخست‌وزیر مؤسس خود، دیوید بن گوریون توجه نمی‌کند که می‌گفت بهترین راه‌ها برای جبران ضعف، تقویت همبستگی اجتماعی، تعمیق روابط دیپلماتیک و دنبال کردن صلح است. اسرائیل در همه جبهه‌ها در حال حرکت در مسیر مخالف است.

حالا همه چیز قابل تصور است

یکی از مقام‌های پیشین دولتی به من گفت که «زمین زیرپای ما در حال تغییر است.» در برخی جنبه‌ها، این درست است، در دیگر جنبه‌ها، این یک ادراک است. با توجه به این ذهنیت و واقعیت افزایش آسیب‌پذیری -و اعتماد اسرائیلی‌ها به اینکه حمایت ایالات‌متحده را حفظ خواهند کرد- اسرائیل احتمالاً موضع تهاجمی خود را در منطقه حفظ خواهد کرد، حتی اگر این امر خطر جنگ گسترده‌تر منطقه‌ای را افزایش دهد. پس از ترومای هفتم اکتبر، پذیرش خطر از سوی عموم مردم اسرائیل و تمایل آنها برای اقدامات تهاجمی نیز ممکن است بیشتر باشد. همانطور که یک تحلیلگر اسرائیلی به من گفت «اکنون همه چیز قابل تصور است.»

اما اکنون، اسرائیل بدون هیچ راهبرد سیاسی، به یک بازی بی‌پایان وارد شده است. اتکا به نیروی نظامی بی‌رحمانه برای بازگرداندن بازدارندگی و تشدید مواجهه با ایران و متحدانش بدون برنامه سیاسی یا راهبردی، بعید است که این پویش نوظهور منطقه‌ای را که برنامه‌ریزان نظامی اسرائیل را نگران کرده است، تغییر دهد. این اقدام بعید است اعضای «محور مقاومت» را بازبدارد که ممکن است به شیوه‌های غیرمنتظره‌ای اقدام و بار دیگر اسرائیل را غافلگیر کنند. پایان دادن به جنگ در غزه قطعاً به کاهش تهدیدات دلهره‌آوری که اسرائیل اکنون با آنها دست به گریبان است، کمک خواهد کرد، اگرچه دور فعلی تشدید تنش بعید است به توافق آتش‌بس یا نزدیک‌ترشدن به آزادی باقی‌مانده گروگان‌های اسرائیلی منجر شود، اما حتی پایان دادن به درگیری غزه نیز در نهایت معضل استراتژیک بزرگ‌تر اسرائیل را حل نخواهد کرد.

***فارین افرز، پنجم آگوست ۲۰۲۴**
(تلخیص شده)
ترجمه: معاونت مطبوعاتی

پرونده

همکاری پشت پرده گوگل با رژیم صهیونیستی

ترجمه: زهراسادات آفرینی

اسناد داخلی گوگل نشان می‌دهد این شرکت قصد داشت کنفرانس فنی نیروهای دفاعی اسرائیل (IDF) را مورد حمایت مالی قرار دهد اما نام این شرکت در آخرین لحظه از فهرست حامیان پاک شد. کنفرانس فناوری برای نیروهای دفاعی اسرائیل (IT FOR IDF) در شهر ریشون لتسیون درست در جنوب تل‌آویو، شرکت‌های فناوری را از سراسر جهان گرد هم آورد تا از نیروهای دفاعی اسرائیل در غزه و فراتر از آن، حمایت کند. بسیاری از شرکت‌های مونتاژکاری در ایالات متحده نام آشنا نیستند اما تعدادی از شرکت‌های چند ملیتی مشهور مانند نوکیا، دل و کانن در رویداد ۱۰ جولای (۲۰ تیر) حضور داشتند و مأموریتی که برای حمایت اسرائیل در جریان جنگ تدارک دیده بودند، مشخص بود. یک سرتیپ ارتش اسرائیل روی صحنه رفته و مطالبی را ارائه کرده بود که در قالب آنها نکبه، جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷، حمله سال ۲۰۰۶ به لبنان، جنگ کنونی غزه و جنگ‌های آتی در دهه‌های آینده را به هم ربط داد. فراخوان او روی صفحه بزرگ پخش شد: «هر نسلی، نوبت خودش را دارد و حالا نوبت ماست.» اما یک شرکت در این نشست، غایب بود: گوگل. طی دو سال گذشته، گوگل حامی بخش فناوری ارتش اسرائیل و عضو همیشگی این رویداد محسوب می‌شد و با توجه به نقش اساسی Google Cloud در پروژه نیمبوس (Nimbus) یک قرارداد ۱/۲ میلیارد دلاری دارد که آن را با آمازون به اشتراک می‌گذارد. امسال هم قرار بود این روند ادامه داشته باشد. چند روز قبل از شروع کنفرانس هم، لوگوی Google Cloud در کنار سایر حامیان مالی در وبگاه IT For IDF وجود داشت اما ناگهان و بدون هیچ توضیحی این لوگو از وبگاه ناپدید شد. یک رسانه پیگیر ناپدیدشدن لوگو شد اما عوامل ترتیب دهنده این کنفرانس مدعی شدند از حضور گوگل در وبگاه اطلاعی نداشتند و این را هم گفتند که نام گوگل اشتباهی در این فهرست درج شده است، اما برنامه زمانبندی شرکتی گوگل که اینترسپت آن را رؤیت کرده است، چنین اظهارنظری را رد می‌کند. این برنامه شامل رویدادهای آتی گوگل در اسرائیل است که IT For IDF 2024 هم در این فهرست قرار دارد و از گوگل به صراحت به عنوان یکی از حامیان کنفرانس با مشارکت CloudEx که یک شرکت اسرائیلی است، نام برده شده است. آریل مونافو مدیرعامل CloudEx به عنوان مشاور مرکز رایانه‌ها و سیستم‌های اطلاعاتی ارتش اسرائیل، معروف به Mamram در آنجا به سایر واحدهای ارتش اسرائیل کمک می‌کند. گوگل به چندین درخواست برای اظهار نظر درباره این مسائل پاسخ نداد. این موضوع، چهره‌ای آشکار در حمایت گوگل از کنفرانس فناوری برای نیروهای دفاعی اسرائیل است و گوگل، تنها یک نمونه از شرکت‌هایی است که به دنبال فاصله گرفتن از حمله وحشیانه اسرائیل به نوار غزه هستند؛ حمله‌ای که حدود ۴۰ هزار فلسطینی را به کام مرگ کشیده است. برخی از شرکت‌ها در ادوار و ابعاد مختلف، برنامه‌های تجاری خود را در اسرائیل تغییر داده‌اند، با این حال گوگل همچنان به همکاری با ارتش اسرائیل ادامه می‌دهد، این شرکت سال‌ها در قرارداد نیمبوس بوده است و حالا ناپدید شدن عجیبش از کنفرانسی متمرکز بر رابطه پر سود با مشتری، نمونه برجسته‌ای از تعبیری است که از آن با عنوان «اضطراب در ارتباط با عموم» یاد می‌شود. پیش‌تر این غول فناوری درباره برخی از اهداف نیمبوس، کمی حساسیت نشان داده است به ویژه که پروژه یاد شده انتقادهای جهانی را برانگیخت که باعث ایجاد کمپین مخالف در میان کارمندان گوگل شد که بیش از ۵۰ نفر از آنها در ماه آوریل به دلیل اعتراض به این قرارداد اخراج شدند. دولت اسرائیل بر ابعاد نظامی نیمبوس تأکید می‌کند اما گوگل همواره سعی کرده این موضوع را که قراردادش با اسرائیل شامل کار نظامی است کم اهمیت جلوه دهد یا آشکارا آن را انکار کند.

> «گوگل» نمونه‌ای از شرکت هایی است که به دنبال فاصله گرفتن از حمله وحشیانه اسرائیل به نوار غزه هستندولی گوگل به‌طور دائمی طی دو سال اخیر حامی بخش فناوری ارتش اسرائیل بوده که نمونه اساسی آن همکاری گوگل کلود در پروژه اسرائیلی نیمبوس است

اینترسپت، تصاویر رسمی رویداد را بررسی کرده و به این جمع بندی رسیده که ارتباط گوگل با رویداد نیروی دفاعی اسرائیل قبل از شروع این رویداد، به معنای واقعی کلمه، لاپوشانی شده است. عکس‌های رسمی کنفرانس حاوی تمام لوگوهای اصلی حامیان مالی رویداد، بدون گوگل است که در آن یک مربع قرار دارد و به نظر می‌رسد با عجله روی آن رنگ شده است. نه گوگل و نه پیپل‌اند کامپیوترز (People and Computers) به عنوان برگزارکننده کنفرانس، به این سؤال که لوگوی چه کسی زیر رنگ قرار دارد، پاسخ ندادند، حتی بدون حضور در کنفرانس، گوگل به رویدادی تعلق داشت که پیگرد قانونی جنگی متوجه آن بود اما تلاش کرده بود از آن فاصله بگیرد. گزارش رسانه‌های اسرائیلی حاکی از این است که در جریان یکی از سخنرانی‌ها، سرهنگ راچلی دمبینسکی به استفاده ارتش اسرائیل از بسترهای ابری در طول جنگ غزه اشاره کرد که در این زمینه نقش Google Cloud برجسته بود. سخنرانی بعدی را سرگروه فناوری بستر ابری گوگل (Google Cloud Platform) و CloudEx ارائه و اشاره کرد که مشارکت CloudEx با گوگل، مستلزم کار روی چندین پروژه تولیدی با وزارت دفاع اسرائیل است.

اصرار گوگل بر اینکه پروژه نیمبوس ماهیت صلح آمیز دارد با سوابق موجود در تضاد است. اینترسپت در ماه می فاش کرد که نیمبوس به دو سازنده برجسته اسلحه اسرائیلی، صنایع هوافضای اسرائیل و سیستم‌های دفاع پیشرفته رافائل، نیاز دارد تا از خدمات محاسبات ابری گوگل و آمازون در کار خود استفاده کنند. اینترسپت همچنین در سال ۲۰۲۲، مطالبی را از نیمبوس منتشر کرده بود که در آن، از وزارت دفاع اسرائیل به عنوان مشتری نام برده شده است. گزارش‌های اخیر نشریه Wired ارتباط این پروژه با ارتش اسرائیل از زمان آغاز آن را شرح می‌دهد، به ویژه که در سال ۲۰۲۱ مشخص شد، پروژه نیمبوس را وزارت دارایی اسرائیل به عنوان خدمت به تشکیلات دفاعی تبلیغ کرده است. در ماه می نیز جک پولسون، روزنامه‌نگار از همکاری طولانی‌مدت گوگل با واحدهای فناوری اطلاعات ارتش اسرائیل مانند مامرام پرده برداشت و به تشدید این رویکرد از هفتم اکتبر اشاره کرد. با وجود همه اینها، گوگل از گفت‌وگو با مطبوعات در مورد کار نیمبوس و پیامدهای بشردوستانه اقدامات آن خودداری کرده است. این شرکت عموماً در پاسخ به سؤالات مربوط به پروژه یا انتقاد از ماهیت نظامی آن به بیانیه‌ای اکتفا می‌کند مبنی بر اینکه از نیمبوس برای امور بسیار حساس یا طبقه‌بندی شده نظامی مربوط به تسلیحات یا سرویس‌های اطلاعاتی استفاده نمی‌شود.

*** سم بیدل / اینترسپت**

رویکرد

ابرقدرت معتاد به تحریم

دکتر سیدرضا میرطاهر

ایران بیش از ۴۰سال است تحت تحریم‌های یکجانبه ایالات‌متحده قرار دارد. این تحریم‌ها از دوره ریاست جمهوری جیمی کارتر پس از اشغال لانه جاسوسی امریکا در تهران آغاز شده و تاکنون در دوران ریاست جمهوری دیگر رؤسای جمهور امریکا ادامه یافته است. این تحریم‌ها به بهانه‌های مختلف که می‌توان در چند عنوان کلی یعنی حمایت از تروریسم و محور مقاومت، تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی به خصوص سلاح هسته‌ای، نقض حقوق بشر و سیاست‌های منطقه‌ای ایران خلاصه کرد، علیه ایران اعمال شده است.

«کارین ژان پی یر» سخنگوی کاخ سفید روز سه‌شنبه ۹مرداد(۳۱ژوئیه۲۰۲۴) درباره وضع تحریم‌های جدید امریکا علیه ایران ساعتی پس از تحلیف دکتر مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور جدید ایران مدعی شد تحریم‌ها علیه ایران به منظور مقابله با اقدامات تهران در منطقه و جهان است. سخنگوی کاخ سفید با تکرار ادعای اقدامات بی‌ثبات‌کننده از سوی ایران در پشتیبانی و تسلیح گروه‌های مقاومت در منطقه غرب آسیا و حمایت از روسیه در جنگ با اوکراین مدعی شد که این اقدامات بخشی از تلاش‌های ما برای مقابله با اقدامات ایران در منطقه و جهان است. وزارت خزانه داری امریکا در تداوم سیاست‌های دوگانه واشینگتن و فشار حداکثری علیه ایران اعلام کرد که تحریم‌هایی را علیه ۱۲ فرد و نهاد ایرانی و غیر ایرانی تسهیل‌کننده خرید قطعات و تجهیزات مرتبط با ساخت پهپاد و موشک اعمال کرده است. آبرام پیلی، معاون نماینده ویژه امریکا در امور ایران نیز درباره تحریم‌های امروز امریکا در ارتباط با ایران گفت: واشینگتن به تحمیل هزینه به افرادی که به توانایی ایران در تولید سلاح‌های مرگبار کمک می‌کنند، ادامه خواهد داد.

رویکرد همیشگی

اعمال تحریم‌های ضدایرانی در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ رئیس‌جمهور سابق امریکا پس از خروج از برجام و راه‌اندازی کارزار فشار حداکثری ابعاد جدید و بی‌سابقه‌ای پیدا و شدیدترین تحریم‌ها علیه ملت ایران به امید تسلیم ایران در برابر خواسته‌های غیرمنطقی و غیر قانونی امریکا اجرا شد که البته با ناکامی و شکست مواجه شده است. این رویکرد همچنان در دوره ریاست جمهوری جو بایدن به رغم وعده‌های او در باره بازگشت به برجام نیز ادامه پیدا کرده است. هدف دولت ترامپ پذیرش خواسته‌های غیر قانونی و غیر منطقی واشینگتن در باره برنامه هسته ای، برنامه موشکی و سیاست‌های منطقه‌ای ایران بود که البته در همه این موارد با پاسخ منفی قاطع تهران مواجه شد. «کریس مورفی» سناتور دموکرات می‌گوید که از تحریم‌های فشار حداکثری ترامپ علیه ایران چیزی نصیب ایالات‌متحده نشده و خروج از برجام، ایران را قوی‌تر کرده است، با این حال دولت بایدن نیز همین مسیر شکست خورده را تاکنون ادامه داده است. جو بایدن، رئیس‌جمهور کنونی امریکا از زمان روی کار آمدن به رغم شعارهای قبلی خود، کارزار فشار حداکثری را تداوم بخشیده و هر از چند گاهی تحریم‌های جدیدی را به بهانه‌های مختلف علیه ایران اعلام می‌کند. نکته مهم اینکه مقامات دولت بایدن و شماری از سیاستمداران امریکایی بارها بر شکست سیاست تحریمی علیه ایران به ویژه کارزار فشار حداکثری اذعان کرده‌اند. در آخرین مورد در این زمینه «جانت یلن» وزیر خزانه‌داری امریکا در اواخر مارس ۲۰۲۳ اذعان کرد که تحریم‌های واشینگتن علیه ایران «بسیار کمتر از چیزی که می‌خواستیم» تأثیرگذار بوده است. یلن تأکید کرد که واشینگتن به دنبال راه‌هایی برای تقویت تحریم‌ها علیه ایران است اما اذعان کرد که تحریم‌ها به ایجاد تغییر سیاست و رفتار ایران به گونه‌ای که امریکا انتظار داشت، منجر نشده است.

نکته دیگر اتهامات جدید وزارت خارجه امریکا علیه ایران است. ودانت پاتل، معاون سخنگوی وزارت خارجه امریکا روز سه شنبه ۹ مرداد در واکنش به اظهارات دکتر مسعود پزشکیان درباره عادی‌سازی روابط اقتصادی ایران و جهان و رفع تحریم‌های ظالمانه با تکرار اظهارات مداخله جویانه واشینگتن در امور ایران با ادعاهای حقوق بشری و حمایت از مردم ایران پاسخ داد: آنچه امریکا فکر می‌کند ناعادلانه و ظالمانه است نحوه رفتار ایران با زنان و دختران این کشور و عدم توجه آن به اساسی‌ترین حقوق مردم خود است. او همچنین با تکرار ادعاهای امریکا درباره فعالیت‌های منطقه‌ای ایران مدعی شد: «ایران از سال ۱۹۷۹ بزرگ‌ترین صادر کننده تروریسم در جهان است.» این مقام وزارت خارجه امریکا مدعی شد این کشور (ایران) سابقه مشارکت در فعالیت‌های بی‌ثبات کننده، بدخواهانه و تأمین مالی گروه‌های نیابتی دارد و به مبانی اساسی دموکراسی و حقوق بشر بی‌توجهی می‌کند.

اظهارات این مقام امریکایی در حالی بیان شده است که امریکا از بزرگ‌ترین ناقضان حقوق بشر در جهان محسوب می‌شود و کارنامه‌ای بسیار منفی در زمینه نقض حقوق سیاهپوستان و بومیان امریکا و نیز خشونت‌های اجتماعی و بدرفتاری با مهاجران و بسیاری موارد دیگر از جمله اشغال دیگر کشورها و کشتار مردم آنها و نیز ایجاد زندان‌های مخوف و شکنجه اتباع دیگر کشورها دارد.

هدف تحریم‌ها

نگاهی به تحریم‌های ظالمانه ضد ایرانی واشینگتن نشان می‌دهد که این تحریم‌ها به طور مستقیم مردم ایران را نشانه گرفته‌اند. در واقع امریکایی‌ها در نقش دروغین حامی ملت ایران ظاهر شده و ادعای دلسوزی دولت امریکا درباره مردم ایران و حمایت از آنها با واقعیات در تناقض است. امریکا حتی در دوره همه‌گیری ویروس کرونا و بیماری کووید۱۹ و نیاز شدید ایران به اقلام دارویی و پزشکی برای مقابله با این بیماری مرگبار، مانع کمک‌رسانی به مردم ایران شده و به رغم ادعای عدم ممنوعیت ارسال این اقلام به ایران اما در عمل با اعمال تحریم‌های ثانویه مانع تعامل شرکت‌ها و بانک‌ها با ایران شد. در عین حال ایالات‌متحده همواره از پاسخ به درخواست نهادهای بین‌المللی از جمله سازمان ملل برای لغو تحریم‌ها علیه ایران خودداری کرده است. نکته مهم اینکه قربانیان اصلی تحریم‌های ضد بشری امریکا علیه ایران را به ویژه بیماران خاص مانند مبتلایان به تالاسمی و بیماری پروانه‌ای تشکیل می‌دهندو این امر نشان‌دهنده میزان خصومت واشینگتن با مردم ایران است.

اساساً رویکرد امریکا بر خلاف ادعاهای حقوق بشری اش، استفاده از تمام ابزارهای فشار علیه ایران از جمله تحریم‌های گسترده یک‌جانبه و تداوم آنهاست، هر چند اعمال این رویکرد نه فقط موجب تسلیم ایران نشده بلکه تهران همچنان برمواضع ضد استکباری خود و مخالفت با سلطه‌گری امریکا در چارچوب سیاست مقاومت حداکثری ادامه می‌دهد، ضمن اینکه تهران پس از خروج امریکا از برجام و نیز خلف وعده اعضای اروپایی گروه ۱+۴ در زمینه کاهش اثرات تحریم‌های یک جانبه امریکا، با کاهش تدریجی تعهدات هسته‌ای خود پیشرفت‌های قابل توجهی در زمینه فناوری هسته‌ای صلح آمیز صورت داده است. همچنین ایران با اتکا بر توانمندی‌های داخلی و خودکفایی رو به رشد در بسیاری از زمینه‌ها و عرصه هایی که قبل از آن وابستگی به غربی‌ها وجود داشته و نیز دور زدن تحریم‌ها توانسته تأثیرات منفی تحریم‌های امریکا را تا حد زیادی خنثی کند.

در جمع بندی، امریکا بیشترین تحریم‌ها را در دو قرن اخیر علیه کشورهای جهان اعمال کرده است. در واقع استفاده از ابزار تحریم به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از سیاست خارجی ایالات‌متحده تبدیل شده است، با این حال با توجه به افول تدریجی قدرت امریکا تغییرات در نظام سیاسی و اقتصادی جهان به خصوص در دو دهه اخیر، مسئله تأثیر گذاری این تحریم‌ها اکنون به طور جدی مورد تردید قرار گرفته است. روزنامه وال استریت ژورنال در گزارشی با اشاره به اینکه تحریم‌های غرب و کنترل‌های صادراتی به رهبری واشینگتن برای ضربه زدن به دشمنان ایالات‌متحده طراحی شده بود، تأکید کرد: تحریم‌های آنها نه تنها مؤثر نبوده بلکه به نزدیکی سیاسی و اقتصادی هرچه بیشتر کشورهای تحریم شده به یکدیگر و تشکیل بلوک متحد اقتصادی جدید در مقابل امریکا تبدیل شده که این تحریم‌ها را به شدت بی‌اثر کرده است. بر اساس گزارش وال استریت ژورنال، بلوک کشورهای تحریم شده در حال حاضر در مجموع دارای اقتصادی با آن مقیاس از گستردگی و بزرگی هستند که برای محافظت از آنها در برابر جنگ مالی واشینگتن کفایت می‌کند و همه چیز از هواپیماهای بدون سرنشین و موشک گرفته تا طلا و نفت را مبادله می‌کنند.

> **امریکا بیشترین تحریم‌ها را در دو قرن اخیر علیه کشورهای دیگر اعمال کرده و استفاده از ابزار تحریم به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از سیاست خارجی ایالات‌متحده تبدیل شده، ولی با توجه به افول تدریجی قدرت امریکا تغییرات در نظام سیاسی و اقتصادی جهان، تأثیرگذاری این تحریم‌ها اکنون به طور جدی مورد تردید قرار گرفته است**